

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾

ای جامه خواب به خود پیچیده
(و در بستر آرمیده)!

قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾

برخیز و انداز کن،
(و جهانیان را بیم ده)

وَرَبِّكَ فَكَبِّرُ ﴿٣﴾

و پروردگارت را بزرگ بشمار

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾

و لباست را پاکیزه دار،

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

و از پلیدی دوری کن،

وَلَا تَمَنَّيَنَّ تَسْكِينُ ﴿٦﴾

و منت مگذار و عملت را بزرگ مشمار،

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾

و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن.

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

و (بدانید) هنگامی که در «صور» دمیده شود،

فَذَلِكِ يَوْمِئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾

آن روز، روز سختی است،

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

که برای کافران آسان نیست!

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً ﴿١١﴾

مرا با کسی که او را به تنهایی
آفریده ام واگذار!

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

همان کس که برای او مال
گسترده ای قرار دادم،

وَبَيْنَ شُهُوداً ﴿١٣﴾

و فرزندان فراوانی که همواره در کنار او
(و در خدمت او) هستند،

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾

و وسایل زندگی را (از هر نظر) برایش
فراهم ساختم!

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

باز طمع دارد که (به آن) بیفزایم.

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾

هرگز. چنین نخواهد شد؛ چرا که او نسبت
به آیات ما دشمنی می ورزد.

سَأَرْهِقُهُ صَعُوداً ﴿١٧﴾

و بزودی او را مجبور می‌کنم که از قله زندگی بالا رود. (پس او را به زیر می‌افکنم)!

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد
و نقشه ای (شیطانی) کشید!

فُقِیلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۱۹﴾

مرگ براو! چگونه نقشه ای کشید؟!!

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَرًا ﴿٢٠﴾

باز هم مرگ براو، چگونه نقشه کشید؟!

ثُمَّ نَنْظُرْ ﴿۲۱﴾

پس نگاهی کرد،

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿۲۲﴾

و چهره درهم کشید و عجولانه
دست به کار شد؛

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

سپس پشت کرد و تکبر ورزید،

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُوتَرُ ﴿٢٤﴾

و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی
جز سحر پیشینیان نیست!

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

این فقط سخن انسان است.»

سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

(اُمّ) بزودی او را وارد سَقَرَ = دوزخ [می‌کنم!]

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾

و توجه می دانی «سَقَر» چیست!

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد
و نه رها می‌سازد.

لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

پوست را دگرگون می کند.

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٢٠﴾

نوزده (نگهبان) بر آن گمارده شده اند!

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا
 فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ
 الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ

نگهبانان دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران
 معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و برایمان مؤمنان بیفزایند، و
 اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند،

وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ
 بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ
 مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این سخن چه منظوری دارد؟!»، (آری) این گونه
 خداوند هرکس را بخواهد گمراه می سازد و هرکس را بخواهد هدایت می کند. و لشکریان
 پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست!

كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾

هرگز چنین نیست سوگند به ماه،

وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ ﴿۳۳﴾

و به شب، هنگامی که (دامن برچینید و) پشت کند،

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

و به صبح هنگامی که چهره بگشاید،

إِنهَا لِأَحَدَى الْأَكْبَرِ ﴿٢٥﴾

که آن (حوادث هولناک قیامت)
از مسائل مهم است!

نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

هشدار است برای همه انسانها،

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ ﴿٣٧﴾

برای کسانی از شما که می خواهند (به سوی هدایت) پیش روند یا عقب بمانند

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾

(آری) هرکس در گرو اعمال خویش است،

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند)!

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾

آنها در باغهای بهشتی اند، و سؤال می کنند،

عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

از مجرمان:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾

«چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!»

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾

و اطعام مستمند نمی کردیم،

وَكَانَ نَحْوَهُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾

و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم،

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

و همواره روز جزا را انکار می کردیم،

حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

تا زمانی که مرگ ما فرا رسد!

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾

از این رو شفاعت شفاعت کنندگان
به حال آنها سودی نمی بخشد.

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾

چرا آنها از تذکر روی گردانند؟!

كَانَ لَهُمْ حَمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾

گویی گورخرانی رمیده اند،

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿۵۱﴾

که از (مقابل) شیری فرار کرده اند!

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى

صُحُفًا مَنشُورَةً ﴿٥٢﴾

بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه ای (از سوی خدا) به او داده شود.

كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾

هرگز چنین نیست (که آنان می گویند،)
بلکه آنها از آخرت نمی ترسند.

كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرٌ ﴿٥٤﴾

هرگز چنین نیست (که آنها می گویند) آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است.

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿۵۵﴾

و کسانی که بخواهند از آن پند می گیرند;

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

و آنها پند نمی گیرند مگر این که خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است (و به هر کس آنچه لایق باشد می دهد).

صدق الله العلي العظيم